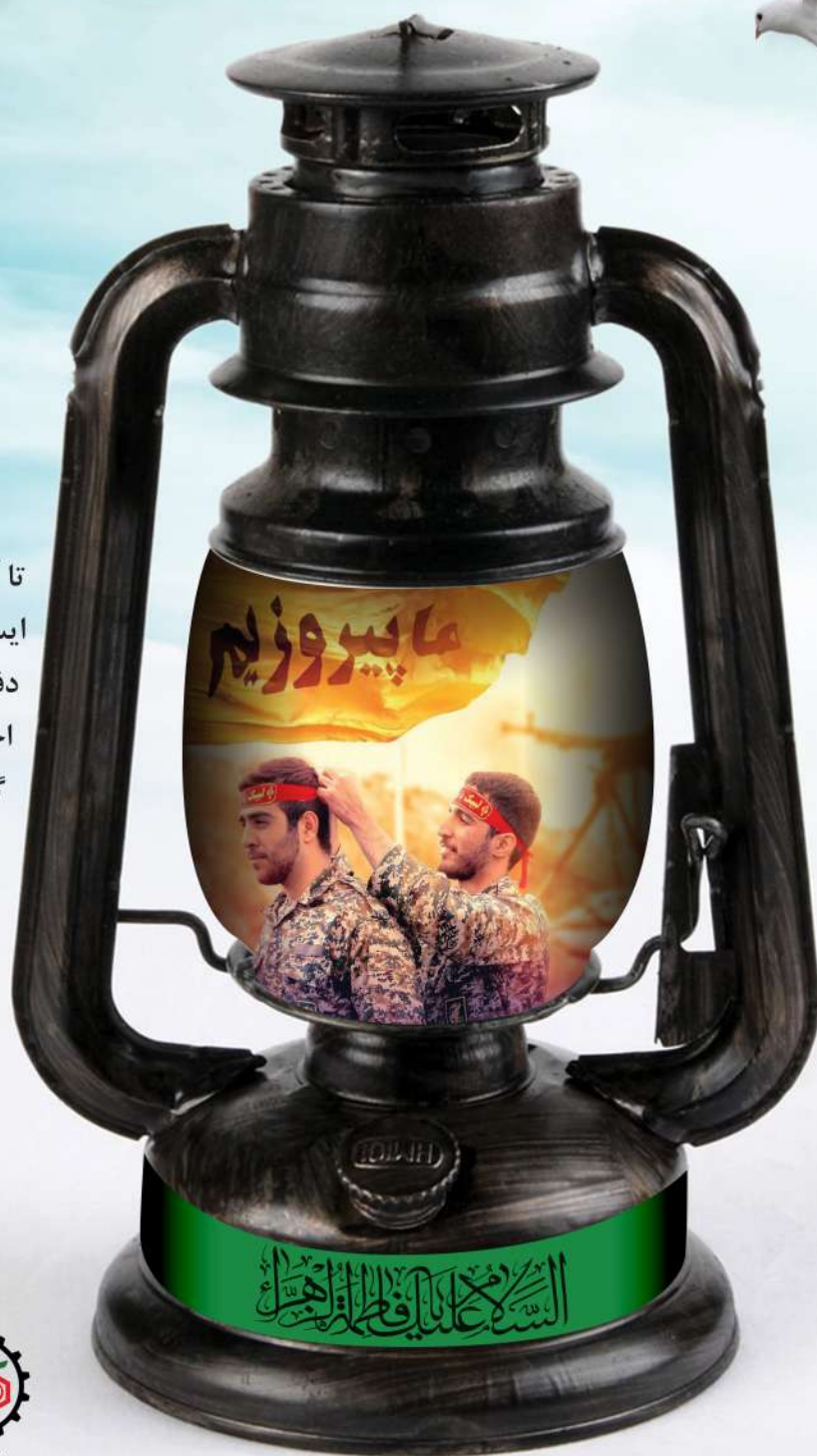


نشریه مِیقَات

نشریه میقات | شماره ۱ | فروردین ۱۴۰۴

تا آخرین نفس ایستاده‌ایم
ایستاده در غبار
دفاع مقدس در اشعار بزرگان
اخبار دفاع مقدس
گزارش کنگره سرداران شهید
به روایت تصویر
نقش رهبری در دفاع مقدس
دفاع باید مردمی باشد



دانشگاه صنعتی امیرکبیر



استان خراسان جنوبی



دانشگاه صنعتی امیرکبیر



نشریه میقات (۱)

بسج دانشجویی دانشگاه صنعتی بیرجند



نشریه
میقات

بسج دانشجویی
دانشگاه صنعتی
بیرجند

نشریه میقات ■ شماره ۱ ■ فروردین ماه ۱۴۰۴

نشریه : میقات (شماره ۱) | صاحب امتیاز : بسج دانشجویی دانشگاه صنعتی بیرجند
مدیر مسئول : علیرضا عباس پور | سردبیر : حمیدرضا بلوچی | ویراستار : حمیدرضا بلوچی
، ابوالفضل خالدی و امیرحسین فرید | صفحه آرا : حمیدرضا بلوچی | هیأت تحریریه : عرفان صفائی - علیرضا عباس پور - شایان خرم دل.

فهرست مطالب

- ♦ سفر به سرزمین نور ۴
- ♦ روایت علیرضا ۵
- ♦ یادمان پادگان دو کوهه ۵
- ♦ یادمان فتح المبین ۵
- ♦ یادمان شهدای طلایه ۵
- ♦ یادمان هویزه ۶
- ♦ یادمان معراج شهداء ۶
- ♦ یادمان شهدای فکه کانال کمیل و حنظه ۷
- ♦ یادمان شهدای شلمچه ۸
- ♦ یادمان شهید حسن باقری ۸
- ♦ باید حماسه ۹
- ♦ راهیان نور کارخانه کادرسازی ۱۰
- ♦ شعر آیت الله همدانی ۱۱

نشریه
میقات

پس‌پیش دانشجوئی
دانشگاه صنعتی
پیرچند



سفر به سرزمین نور

اپیوندی عمیق با تاریخ و معنویت |

نویسنده: علیرضا عباس پور
مهندسی کامپیوتر ۱۴۰۰

ایمان و عشق به میهن را روشن تر احساس می کند. هر بار که پا به خاک شلمچه، دهلاویه و فکه می گذاری، به یاد می آوری که این سرزمین ها، روزگاری میدان های نبرد و مقاومت رزمندگان بوده و اکنون مکان مقدس و معنوی برای زیارت عاشقان. در این سفر، نه تنها با تاریخ کشورمان آشنا می شویم، بلکه با روحیه ای ایثار و مقاومت رزمندگان و **شهیدان** نیز پیوندی عمیق برقرار می کنیم. این سفر، فرصتی است برای تجدید عهد با **شهیدان** و تلاش برای ساختن آینده ای روشن تر. با قدم گذاشتن در سرزمین نور، به حقیقت و ارزش های انسانی نزدیک تر می شویم و می فهمیم که چراغ نور و ایمان همواره در دل هایمان روشن است.

در دل شب های تاریک و بی پایان، جایی که سکوت جای صدای گلوله ها و آتش ها را گرفته است، سفر به سرزمین نور آغاز می شود. اینجا سرزمینی است که هر گوشه اش داستانی از عشق، ایثار و مقاومت را در خود نهفته دارد. هر گام که برمی داری، خاطرات رزمندگان و **شهیدانی** که جان خود را برای حفظ وطن فدا کردند، همچون نوری در دل تاریکی می درخشد. سفر به سرزمین نور، نه تنها یک بازدید از مناطق جنگی است، بلکه سفری به عمق تاریخ و معنویت است. با گذر از این مناطق، انسان به مفهوم حقیقی ایثار و وفاداری پی می برد و در دل خویش نور

نشریه
میقات
پسینج دانشجویی
دانشگاه صنعتی
پیرچند



❖ روایت علیرضا

از اولین سفر به سرزمین نور

خیلی شرمنده می شدم و با خودم می گفتم ما کجا و آن ها کجا؟ بعد از روایت نماز خواندیم و راهی یادمان بعدی شدیم. نویسنده: علیرضا عباس پور مهندسی کامپیوتر ۱۴۰۰

■ یادمان فتح المبین

وارد فضای یادمان شدیم، به همراه دوستان داخل خاکریز ها راه میرفتیم، حال و هوای عجیبی داشت که نمی توان وصفش کرد. بعد از عبور از خاکریز ها و زیارت، وقت نماز مغرب رسید و بعد از خواندن نماز، روایت هایی درباره از خود گذشتگی ها و رشادت های رزمندگان میشنیدیم که چطور از همه چیزشان گذشتند تا امروز ما با اقتدار و امنیت زندگی کنیم. بعد از اتمام روایت راهی اردوگاه شدیم.

■ یادمان شهدای طلایه

صبح روز دوم به یادمان شهدای طلایه رسیدیم. هوای مناطق کمی سرد بود، بعد از دیدن مناطق عملیاتی وارد مسجد یادمان شدیم، صحبت های راوی شروع شد و از شهدا برایمان می گفت؛ عملکردن به تکلیفشان در آن روز های نبرد. راوی میان روایت هاش از شهدا و رشادت ها و مردانگی هایشان، سوالی را

روز یکشنبه ۵/۱۲/۰۳ فرارسید و عاشقان به شهدا برای سفر به سرزمین نور در حسینه جماران بیرجند جمع شدند و بعد از مراسم، سوار اتوبوس ها شده و راهی سرزمین نور شدند.

حاج آقای محمدی روحانی کاروان و اتوبوس که در این سفر همراه ما بودند، جمله ای را از عزیزی نقل کردند که برایمان جالب بود. ایشان گفتند بچه ها رفتن شما به آن سرزمین دعوت شهدا بوده و ما مهمان آن عزیزان هستیم.

■ یادمان پادگان دوکوهه

پس از گذشت یک روز و نیمی در راه بودن، به اولین یادمان سرزمین نور، پادگان دوکوهه رسیدیم. پادگان دوکوهه مکانی برای آموزش و آمادگی جسمانی و معنوی رزمندگان در طول جنگ بوده و میدان صبحگاهش یادآور حضور فرماندهانی چون همت، دستواره، کریمیان، متوسلیان و مناجات عارفانه بسیاری از شهدا بوده است.

روایت های راوی از آنجا برایمان جالب بود، از فعالیت های بدنی رزمندگان تا روحیه ی بالای آن ها برای مبارزه ی با استکبار. بعد از شنیدن آن روایت ها

نشریه
میقات

پسینج دانشجویی
دانشگاه صنعتی
بیرجند

وقتی راوی از جنبه های مختلف شخصیتی شهید علم الهدی صحبت می کرد، لحظه به لحظه بیشتر شیفته او می شدم. از دغدغه مند بودنش تا فعالیت های انقلابی و جهادی اش، چه در دوران دانشجویی و چه قبل از آن که حضرت آقا هم در سخنرانی شان از جمعیت دانشجویی آن زمان و همچنین حضور حسین علم الهدی در جبهه اشاره کرده اند. پس از پایان روایت گری نماز ظهر برگزار و راهی یادمان بعدی شدیم.

منبع: خامنه ای دات آی آر | ۸۷/۹/۲۴



خطاب به عاشقان شهید کرد که ذهنم را مشغول کرد و شد سوال ذهنی من دریادمان. بله سوال این بود، شهید در آن روز به تکلیف و وظیفه شان عمل کردند و امروز وظیفه و تکلیف ما چیست؟

پس از پایان روایت، خادمی جلوی درب خروجی به هریک از عاشقان که دیدارش تمام میشد، نامه ای از طرف شهید هدیه می داد.

من نامه رو برداشتم و بازکردم. داخل نامه این جمله را نوشته بود: این را هرگز فراموش نکنید، تا خود را نسازیم و تغییر ندهیم جامعه ساخته نمی شود.

درست است! شهید ابراهیم هادی یکی از وظیفه های من جوان را پاسخ داد که خودسازی است. سپس طلاییه را ترک و راهی یادمان بعدی شدیم.

یادمان هویزه

از اتوبوس پایین شدیم. به اتفاق دوستان وضو گرفتیم و وارد یادمان هویزه شدیم. فضای ورودی یادمان عجیب و دوست داشتنی بود و عجیب تر از آن فضای داخل یادمان بود که آرامش خاصی در آن حاکم بود. وقتی من به داخل محوطه یادمان رفتم که روایت گری شروع شده بود و من نشستم و متوجه شدم راوی درباره شهید محمد حسین علم الهدی صحبت می کند. اولین بار بود که نام ایشان را می شنیدم و این هم از غربت آن بزرگواران و کوتاهی ما از شناختن قهرمانان وطن و میهنمان هست.



یادمان معراج شهداء

به یادمان بعدی یعنی معراج شهید رسیدیم. جایی که در طول سال و ایام راهیان نور، محل حضور پیکرهای مطهر شهیدای تازه تفحص شده مناطق عملیاتی است و محلی برای زیارت و تجدید میثاق با این شهید است.

بعد از روایت گری یکی از سرداران و جانبازان دفاع مقدس، به محلی که پیکرهای مطهر شهید حضور

نشریه
میقات
پسینج دانشجوی
دانشگاه صنعتی
پیرچند

یادمان شلمچه



یکی از **شهیدانی** که راوی در این یادمان از او نام برد، **شهید ابراهیم هادی** بود، بلکه همان ورزشکار و پهلوانی که مانند مادرش حضرت زهرا علیها السلام گمنام ماند. راوی ابعاد مختلف آقا ابراهیم را برایمان تشریح می کرد و میگفت ایشان چهارمین فرزند خانواده بوده و در ایام نوجوانی طعم تلخ یتیمی را چشیده بود.

در قسمتی از روایت که راوی درباره ی نحوه انتخاب شغل آقا ابراهیم صحبت می کرد، به نکته ی جالبی بر خوردم و واقعا هم برام عجیب بود. آن نکته نحوه ی انتخاب شغل آقا ابراهیم بود که هدفش از شغل معلمی تربیت نسل های بعدی است و به نظرم الگوی مناسبی برای چرایی انتخاب هایمان در زندگی است. از انتخاب شغل و همسر گرفته تا...

بعد از اتمام روایت گری، داخل کانال رفتیم و با خود و خدایمان خلوت کردیم، حال و هوای عجیبی داشت و آرامش خاصی بر آنجا حاکم بود. بعضی از دوستان نماز می خواندند، عده ای دیگر با **شهید** درد و دل می کردند.

بعد از زیارت کانال راهی یادمان آخر امروز یعنی یادمان **شهیدای** شلمچه شدیم.

داشت رفتیم و پیکر های عاشقانی که برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی از همه چیزشان گذشتند را زیارت کردیم.

دیگر به یقین رسیده بودم که حضور ما در اینجا اتفاقی نیست و توسط **شهید** دعوت شده ایم و باید بتوانیم راه و مسیر آن هارا ادامه بدهیم. بعد از زیارت پیکر **شهید**، یادمان را ترک و راهی یادمان بعدی شدیم.

یادمان شهدای فکه کانال کمیل و حنظله

راوی یادمان در همان ابتدای ورودمان به یادمان گفت این قسمت چون داخل خاک عراق هستش، فقط در این ایام بازهستش و در بقیه ی زمان ها درب های ورودی آن بسته ست. مسیر را طی کردیم و به کانال کمیل رسیدیم، راوی از رشادت ها و ایستادگی بچه ها صحبت می کرد، از شخصیت های ارزشمندی که جانشان را فدا کردند و نحوه **شهدادشان** که توسط دشمن بعثی محاصره شدند و در نبردی حماسی جمع کثیری از آنها **شهید** شدند.

یادمان شهدای شلمچه

شب آخر حضورمان در سرزمین نور بود. به یادمان **شهدای** شلمچه رسیدیم. قرار بود بعد از دیدن یادمان و نماز مغرب، **حاج حسین یکتا** برایمان روایت گری کنند. یکی از تفاوت های روایت گری این منطقه با دیگر یادمان ها حضور **حاج حسین یکتا** بود که خودشان از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس هستند و همچنین چهره ای شناخته شده برای ما در روایت گری. منطقه را به اتفاق دوستان دیدیم و سپس نماز مغرب را خواندیم و بعد از نماز مغرب به سمت محل برگزاری روایت گری که خادمین برایمان آماده کرده بودند راه افتادیم.



بودیم. خیلی حال و هوای عجیبی داشتیم و اشک از چشمانمان جاری بود.

انتهای روایت گری بود و حاجی گفتن بچه ها! سال دیگه هم بیاین راهیان نور ها!! به اتفاق عاشقان **شهید** ایستادیم و رو به طرف **کربلا** به امام حسین علیه السلام سلام دادیم و بعدش شلمچه را ترک کردیم. اما من داشتم به جمله ای از حاج حسین فکر می کردم که گفتن: بچه ها وقتی برگشتین بقیه متوجه بشن که شما از راهیان نور برگشتین و این جمله، یعنی تغییر و تحول نسبت به گذشته.

یادمان شهید حسن باقری

روز آخر به یادمان **شهید باقری** رفتیم. یادمانی که قرار است پاسخ کامل سوال ذهنی ام را بگیرم. بعد از اقامه ی نماز ظهر وارد یادمان شدیم. راوی آنجا صحبت های جالبی درباره شخصیت و تفکرات مدیریتی و عملکرد ایشان می کرد، که واقعا می شود از آنها الگوبرداری کرد و در جامعه از آنها استفاده کرد و بهره برد. از تقسیم بندی کارها گرفته تا عملیاتی شدن آن ها.

بعد از روایت گری ها درباره ی شخصیت برجسته **شهید باقری**، به سمت محل **شهادت** ایشان حرکت کردیم و بعد از زیارت آنجا را ترک کردیم.

بعد از کمی استراحت و نهار، آخرین یادمان را به مقصد بیرجند ترک کردیم و سفر به سرزمین نورمان تمام شد، اما این پایان شروعی است برای مسیر اصلی مان در زندگی و بستن آموخته هایمان از آن سفر معنوی و ارزشمند در زندگی.

امید است بتوانیم ان شاء... در این مسیر پرفراز و نشیب، موفق و سربلند و ادامه دهنده ی راه شهدا باشیم.

قبل از روایت سخنان امام خمینی (ره) و همچنین حضرت آقا پخش می شد و بعد کلیپ سخنرانی خود حاج حسین، در همین حین حاج حسین از سنگر روبروی جمعیت خارج شدن و با لحن گرم خودشون به بچه ها گفتن: عرض سلام و خسته نباشید و خداقوت و زیارتتون بچه ها قبول باشه.

اون شب خیلی سرد بود؛ اما همین که روایت گری شروع شد، به برکت **شهید**، دیگر سرمایی احساس نمی کردیم و همه چشم و گوشمان، به روایت های با ارزششان بود.

حاجی خطاب به بچه ها گفت: **شهید** عاشق شما هستن و اون ها شمارو به این جا آوردن. اره حاجی درست می گفت. چون روز ۸ اسفند بود؛ روز **شهادت** حسین خرازی بود و مادر محل **شهادت حاج حسین**

نشریه
میقات
پسینج دانشجوی
دانشگاه صنعتی
بیرجند



دیدار جمعی از پیشکسوتان و خاطره گویان دفاع مقدس با رهبر انقلاب اسلامی:

باید حماسه‌ی شگفت آور هشت سال دفاع مقدس که ملت ایران توانست با دست خالی و با توکل بر خدا در برابر یک تهاجم گسترده‌ی بین‌المللی بایستد و موفق و پیروز بیرون بیاید، برای نسل جوان کنونی و نسل‌های آینده شناسانده شود تا آنان با شناخت عظمت و توانایی‌های این ملت، راه گذشتگان را با احساس امید و عزت ادامه دهند.

۳۱ شهریورماه ۱۳۸۴

■ باید حماسه !

اراهیان نور: سفری از دل تاریکی به سوی روشنائی

زندگی، نه در مال و منال دنیا، بلکه در عشق به وطن، ایثار و فداکاری نهفته است. هر لحظه‌ای که در کنار یادمان‌ها می‌گذرانیم، دلمان را از عشق و ایمان پر می‌کند و به ما نشان می‌دهد که در هر لحظه‌ای از زندگی، می‌توانیم با عشق و ایمان، به سوی نور حرکت کنیم.

راهیان نور، چراغی است که در تاریکی دل‌هایمان روشن می‌شود و به ما نشان می‌دهد که با یادآوری و احترام به گذشته، می‌توانیم آینده‌ای روشن و پربار داشته باشیم. این سفر، به ما یادآوری می‌کند که فداکاری‌ها و ایثارگری‌های رزمندگان، نه تنها در تاریخ، بلکه در دل‌ها و روح‌های ما همیشه زنده و جاری است.

ما راهیان نوریم آماده ی حضوریم
آئینه دار صبحیم نسل حماسه سازیم
ما پیرو حسینیم یادآور شهیدان
ما راهیان نوریم آینده ساز ایران

راهیان نور، سفری معنوی و فرهنگی است که روح و دل‌های زائران را به عمق خاطرات پرافتخار دوران دفاع مقدس می‌برد. این حرکت، سفری است که هر قدم آن، داستانی از ایثار، شجاعت و فداکاری‌های بی نظیر رزمندگان را روایت می‌کند. هر بار که به این سفر می‌رویم، در دل تاریکی یادمان‌ها، نوری از عشق و ایمان به وطن روشن می‌شود.

در این سفر، وقتی به مناطق جنگی خرمشهر و شلمچه قدم می‌گذاریم، گویی زمان متوقف شده و ما به گذشته برمی‌گردیم. خاک‌های این مناطق، بوی خون شهدای گران قدری را به مشام می‌رساند که با جان فشانی‌هایشان این سرزمین را حفظ کردند. هر لحظه‌ای که از کنار یادمان‌های شهدا گذر می‌کنیم، حضور آن‌ها را حس می‌کنیم و دل‌هایمان با عشق و احترام به آن‌ها پر می‌شود.

راهیان نور، فرصتی است تا در سکوت و آرامش بیابان‌ها و دشت‌های جنوب، به تأمل و تفکر بپردازیم. این سفر، به ما یادآوری می‌کند که ارزش‌های واقعی

نویسنده: شایان خرم دل
مهندسی صنایع ۱۴۰۰

راهیان نور کارخانه کادرسازی است

گفتاری از حاج حسین یکتا از راویان دوران دفاع مقدس و از مسئولان سابق ستاد راهیان نور، درباره‌ی آثار اردوهای راهیان نور و چگونگی شکل‌گیری و تاریخچه‌ی آغاز سفرهای این اردوها.

در اولین سفر رهبر انقلاب به این مناطق که مربوط به سال ۷۸ و حضور ایشان در منطقه‌ی شلمچه بود، ایشان یک سخنرانی معروفی کردند و فرمودند اینجا «قطعه‌ای از بهشت» است.

درواقع اولین کسی که پرچم هدایت و حمایت راهیان نور را به دست گرفت، خود ایشان بودند. این نکته را چند بار در سخنرانی‌هایم هم گفته‌ام که به اعتقاد من، حضرت آقا در این سفر اول که به منطقه‌ی شلمچه آمدند، با تکیه دادن به عصایشان در نقطه‌ی صفر مرزی، می‌توان تشبیه کرد به همان حالتی که حضرت اباعبدالله (علیه السلام) به شمشیرشان تکیه داده بودند و یارانش را صدا می‌زدند که "کجایی! بلند شوید که دشمن در حال حمله به خیمه است" همانند همان حالت، رهبر انقلاب آنجا گفتند **شهیدان**! بلند شوید که دشمن در حال حمله به دین و ایمان جوانان است.

تعبیر من از آن سفر اول ایشان به منطقه، صدا کردن **شهیدان** بود. و **شهدا** هم به ندای نایب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لبیک گفتند و رخ نشان دادند که شما نتیجه‌ی آن را در بیشتر شدن تشییع جنازه‌ها، یادواره‌های **شهدا** و سفرهای راهیان نور می‌بینید.

آن چیزی که کشور را در مقابل براندازی دشمن با نقشه‌ی شبیخون فرهنگی یا ناتوی فرهنگی حفظ کرد، همین **شهدا** و راهیان نور بودند.

نویسنده: عرفان صفائی
الهیات فرهنگیان ۱۴۰۰



وزارت آموزش عالی و علوم
و دانشگاه صنعتی پیرچند



مجلس شورای اسلامی
استان خراسان جنوبی



مجلس شورای اسلامی
دانشگاه صنعتی پیرچند

نشریه
میقات

پس‌بیچ دانشجوی
دانشگاه صنعتی
پیرچند



نشریه
میتقا

پسبج دانشجوی
دانشگاه صنعتی
بیرجند

نشریه میتقا ■ شماره ۱ ■ فروردین ماه ۱۴۰۴

منه پابی وضو اینجا؛ هزار عاشقان اینجاست
کمی از خاک را بردار و رو چشم خود بگذار
قدم با احترام، آهسته بردار اندر این واد
اشدء علی الکفار، پاسداران اسلامی
مناجات سبحی ها، صدای نغمه قرآن
خدا باورترین انسان، که با اهدا خون و جان
سرافرازان عالم چه همه در یادلان اینجاست
که خاک، آغشته با خون عزیزان جهان اینجاست
یوس؛ این خاک را بو کن؛ که عطس گل فشان اینجاست
حماسه آفرین ارتش، نمایشگاهشان اینجاست
ز سنگرها به گوش آید؛ صف قرآنیان اینجاست
نموده عشق را تفسیر، بر سر آستان اینجاست

آیت الله حسینی نوری همدانی



قاب یادگار سفر راهیان نور
کاروان شهید شاهد شجاعی
اسفند ماه ۱۴۰۳

نوبتی هم باشه نوبت صحبتای خودمونیه:)، از اون صحبتایی که دم آخری همه مون با هم میزنیم و بعدش بهم میگیریم برو عموووووووو:)))

تشکر تشکر و تشکر از تمامی دوستانی که در همفکری، برنامه ریزی، تهیه و ساخت این نشریه کمک حال و پشتیبان بسیج دانشجویی دانشگاه بودن، همه رفقای گلم که در سفر راهیان امسال از همون ب بسم ا... کنارمون بودن و یاریمون کردن.

حالا شمایی که داری این نشریه رو میخونی، تو هم میتونی نویسنده ما باشی، اگه میخوای کنار تیم نشریه میقات باشی، میتونی تو هر حوزه ای که استعداد یا علاقه ش رو داری مثل نویسندگی، تایپ، ویراستاری، طراحی و... یا پیشنهاد و انتقادی نسبت به نشریه و یا پیشرفت کیفیت نشریه داری، میتونی به آیدی زیر هم تو تلگرام و هم ایتا با پیام دادن به دست ما برسونی.



@tapes_h_admin
اینجا هم هرچی دل تنگت
خواست بگو، میبینیم حتما

@tapes_h_but
تو کانال همراهمون باش
یه وقت گمتون نکنیم 😊